شرایط دموکراسی نداریم

دموکراسی یکی از صورت‌های متاخر نمایندگی است که خود صورت‌های گوناگونی دارد؛ در حالی که بعضی از محققان علوم سیاسی دموکراسی مستقیم را صورت اصلی دموکراسی دانسته‌اند، رالز و هابرماس به دموکراسی مشورتی و یا رایزنانه قائلند. اما عملاً اینکه دموکراسی در هر جایی چیست، به شیوه تحقق تاریخی آن مربوط است. در دموکراسی‌های باسابقه، نهاد انتخابات در آخرین مراحل، یعنی پس از تحقق دیگر پیش شرط‌ها و نهادهای دموکراسی شکل گرفت، ولی در دموکراسی‌های نو مسیر معکوس بود و نهاد انتخابات پیش از فراهم آمدن پیش‌شرط‌ها و مقدمات پدید آمد. انتخابات در شرایطی که مقدمات قبلی آن فراهم نشده، نمی‌تواند نشانی از وجود دموکراسی باشد. در ادامه سه پیش‌شرط اصلی دموکراسی را برمی‌شمرم:



سیدعلی میرموسوی

دانشیار دانشگاه مفید

دولت قوی

نخستین شرط دموکراسی از نظر دیوید بیتام وجود یك دولت قوی است، دولتی که بتواند قانون وضع کند و خود نیز به آن قانون پایبند باشد. مراد از دولت در این جا تنها قوه مجریه نیست، بلکه مجموعه مناسبات عینیت یافته در نهاد حکومت است. برخی چون فوکویاما برآنند که یك بوروکراسی قوی و کارآمد، مقدمه یك دموکراسی قدرتمند است. به عباراتی شرط دموکراسی کارآمد از منظر فوکویاما وجود یك دولت باثبات و باظرفیت‌های بالا است. با این حساب، اگر بخواهیم بدون یك دولت قوی وِبری دست به نوسازی بزنیم، نه تنها به دموکراسی نخواهیم رسید، بلکه دچار زوال سیاسی خواهیم شد.

نظام حزبی

نظام حزبی لازمه‌ی ضروری و تضمین‌کننده‌ی دموکراسی است. ما در ایران حزب داریم، اما حکمرانی حزبی نداریم. از این جهت، نظام نمایندگی ناتوان از بازنمایی عمومی مردم است.

برابری سیاسی

از پیش‌شرط‌های اساسی نمایندگی، پذیرش برابری سیاسی و پایبندی به آن است. این برابری، هم مفهومی فلسفی است در مقام نظریه‌ی پایه‌ی عدالت، هم مفهومی سیاسی است ناظر به سازماندهی اجتماعی و مشارکت. به تعبیر ارسطو، هیچ چیز بیش از نابرابری نمی‌تواند دوستی مدنی و مشارکت در دولت را تضعیف کند، تعبیری که شاید به هر دو معنای برابری بازگردد. برابری سیاسی بر اصل بهره‌مندی برابر انسان‌ها از شرافت و

کرامت استوار است. بر این پایه است که انسان‌ها می‌توانند از علاقه و موقعیت برابر در تصمیم‌گیری جمعی برخوردار باشند. علاقه و موقعیت برابر ملازم با تاثیرپذیری یکسان اعضای جامعه از تصمیم‌های جمعی است. اگرتاثیرپذیری یکسان نباشد، نابرابری در علاقه هم بی‌معنی است، طبیعتاً آنان که بیشتر تاثیر می‌پذیرند مشارکت بیشتری هم در ساخت سیاسی می‌کنند. موقعیت برابر توضیح چگونگی عضویت در یک اجتماع وابسته؛ برای مثال عضویت پدر و مادر در خانواده با فرزند برابر نیست، یا عضویت معلم و دانش‌آموز در کلاس درس برابر نیست، ازاین رو دموکراسی در اداره آن‌ها معنی ندارد. اگر در نظام اجتماعی و سیاسی هر نابرابری از پیش‌مفروضی باشد، مثلاً از نظام اجتماعی و سیاسی تصوری چون خانواده یا مدرسه یا پادگان یا اداره باشد، نمی‌توان به وجود دموکراسی در آن جامعه امیدی داشت.

بدون این پیش‌شرط‌ها دموکراسی در جایی برقرار نمی‌شود و اگر مظاهری از آن هم دایر شود دیری برقرار نمی‌ماند.


۱۳۰۴